



## Investigating the Causal Relationship Between Self-Separation and Identity Dimensions with Students' Political and Social Attitudes: The Mediating Role of Personality Traits and Social Isolation

**Alireza Safarloue**

Ph.D. Candidate in Organizational Behavior,  
Department of Psychology, Faculty of Psychology,  
Islamic Azad University, Tabriz Branch, West  
Azerbaijan, Iran.

**Naime Moheb \***

Assistant Professor, Department of Clinical  
Psychology, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

**Shahram Vahedi**

Professor, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

### Abstract

Considering that political behaviors can determine the fate of millions of people and put their lives under the radius of radical and extreme behaviors or, on the contrary, behaviors associated with tolerance, the present research is looking for the issue of what is the relationship between extreme and radical behaviors with psychological factors. The method used in the current research was structural equation modeling, and 300 students of Shahr Khoi universities randomly answered the questions of their differentiation questionnaires (R-DSI); Adams and Benyon identity states; Harrison's social orientation (2003); Right Wing Authoritarianism Scale (VSA); They answered the social isolation questionnaire (UCLA) and the research data were analyzed using SPSS 24 and AMOS 24 software. The results showed that the relationship between social attitude with delayed and advanced identity is equal to 0.33 and 0.34, respectively, and with disturbed and early formed identity states is equal to -0.14 and -0.38, respectively which are statistically significant. Considering the moderate and low correlation between predictor variables, it can be concluded that the assumption of multiple collinearity is valid. The conclusion is that after adjusting the conceptual model of the research, it is clear that the proposed research model has acceptable fit indices. Therefore, the research hypothesis was confirmed. This model is actually a thinking framework that may be used to explain interactions between political and social attitudes, self-separation, identity dimensions, mediating role of personality dimensions and social isolation. This framework explains how one's identity and personality dimensions can act as a mediating role in influencing political and social attitudes.

**Keywords:** differentiation, identity, social orientation, social isolation

## بررسی رابطه علی تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نگرش سیاسی و اجتماعی دانشجویان: نقش میانجی ویژگی‌های شخصیت و انزوای اجتماعی

دانشجوی دکتری فعالیت سازمانی گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی دانشگاه  
آزاد اسلامی واحد تبریز، آذربایجان غربی، ایران.

علیرضا صفرلویی

استادیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد تبریز، تبریز، ایران

نعیمه محب \*

استاد، عضو هیئت‌علمی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

شهرام واحدی

### چکیده

با توجه به اینکه رفتارهای سیاسی می‌تواند سرنوشت میلیون‌ها انسان را رقم بزند و زندگی آن‌ها را تحت شعاع رفتارهای رادیکال و افراطی و یا برعکس، رفتارهای همراه با مسامحه و قرار دهد، تحقیق حاضر در جست‌وجوی این مسئله است که چه رابطه‌ای بین رفتارهای افراطی و رادیکال با عوامل روان‌شناختی وجود دارد. روش مورد استفاده در تحقیق فعلی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بوده و تعداد ۳۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های شهر خوی به صورت تصادفی به سؤالات پرسشنامه‌های تمایز یافتگی خود (R-DSI)؛ حالات هویت آدامز و بنیون، جهت‌گیری اجتماعی هاریسون (۲۰۰۳)، مقیاس استبدادی جناح راست (VSA) و پرسشنامه انزوای اجتماعی (UCLA) پاسخ دادند. بر این اساس، داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS 24 و AMOS 24 مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که رابطه بین نگرش اجتماعی با هویت به‌تعویق‌افتاده و پیشرفته، به ترتیب برابر با ۰/۳۳ و ۰/۳۴ و با حالات هویت آشفته و زود شکل‌یافته، به ترتیب برابر با ۰/۱۴- و ۰/۳۸- بوده که از نظر آماری معنادار هستند. با توجه به همبستگی متوسط و پایین بین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده می‌توان نتیجه گرفت که فرض هم‌خطی بودن چندگانه برقرار است. بعد از تعدیل مدل مفهومی پژوهش مشخص شد که مدل پیشنهادی پژوهش از شاخص‌های برازش قابل‌قبولی برخوردار است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. در واقع، این مدل یک چارچوب تفکری بوده که ممکن است برای توضیح تعاملات بین نگرش‌های سیاسی و اجتماعی، تفکیک خویشتن، ابعاد هویتی، نقش میانجی‌گرانه ابعاد شخصیتی و انزوای اجتماعی را به کار گیرد. این چارچوب توضیح می‌دهد که چگونه ابعاد هویتی و شخصیتی فرد می‌تواند به‌عنوان نقش میانجیگر در تأثیرگذاری بر نگرش‌های سیاسی و اجتماعی عمل کنند.

کلیدواژه‌ها: تمایز یافتگی، هویت، جهت‌گیری اجتماعی، انزوای اجتماعی

## مقدمه

اصطلاح نگرش معانی مختلفی دارد؛ اما در تعاریف فعلی، بیشتر به جنبه ذهنی و روانی فرد اطلاق می‌شود؛ هر چند آمادگی برای عمل یا پاسخ دادن به یک محرک، همچنان در این تعاریف حفظ شده است. آلپورت (۱۹۳۵)، به نقل از کریمی) آن را حالت روانی و عصبی آمادگی می‌داند که از طریق تجربه سازمان یافته و تأثیر هدایتی یا پویا بر پاسخ‌های فرد، در برابر کلیه اشیاء یا موقعیت‌هایی است که به آن مربوط می‌شود. در تعریفی دیگر، نظامی با دوام است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک تمایل به عمل است (فریدمن و همکاران به نقل از کریمی، ۱۹۷۰). علاوه بر عناصر مذکور، نگرش دارای سه ویژگی است؛ نخست آنکه هر نگرشی شامل یک شیء، شخص، رویداد یا موقعیت است (موضوع نگرش)؛ دوم، نگرش‌ها معمولاً ارزشیابانه بوده و سوم آنکه نگرش‌ها معمولاً دارای ثبات و دوام قابل توجهی هستند (کریمی، ۱۳۹۵). نگرش و علاقه را نزدیک به هم می‌دانند؛ هر دو در ارتباط با دوست داشتن و نداشتن و ترجیح فعالیت‌ها، نهادهای اجتماعی یا گروه‌ها و احساسات شخصی درباره چیزهاست؛ ولی روانشناسان، وجهی از تمایز را بین این دو قائل هستند. از نظر آن‌ها، نگرش به عنوان احساس نسبت به یک شیء، نهاد اجتماعی یا یک گروه تصور می‌شود. در مقابل، علاقه، احساس فرد نسبت به یک فعالیت است (کریمی، ۱۳۹۵). نگرش و علاقه به اجتماع در جریان تحول کودک، امری ذاتی و فطری است که اگر در روند رشد طبیعی کودک مانعی وجود نداشته باشد، مسیر خود را طی خواهد کرد. مفهوم علاقه اجتماعی<sup>۱</sup> که آدلر آن را معرفی کرده است، به صورت استعداد فطری فرد برای همکاری با دیگران جهت دستیابی به اهداف شخصی و اجتماعی تعریف شده است. با وجود آنکه از دید آدلر، نیروهای اجتماعی، بسیار بیشتر از نیروهای زیستی بر ما تأثیر دارند، استعداد علاقه اجتماعی فطری است؛ بنابراین، رویکرد آدلر به صورت محدود، یک عنصر زیستی دارد. با این حال، درجه‌ای که استعداد فطری ما برای علاقه اجتماعی تحقق می‌یابد، به تجربه‌های اجتماعی اولیه ما بستگی دارد (شولتز، ۱۳۹۲). نگرش و جهت‌گیری اجتماعی به این معناست که فرد به برقراری ارتباط با دیگران چقدر تمایل دارد، تا چه حد حقوق دیگران را رعایت می‌کند و آیا رفتارهای کناره‌گیرانه و شخصیت ضد اجتماعی دارد یا نه (واینر، ۱۹۸۰)؟ به تعبیری، جهت‌گیری اجتماعی حاکی از روابط بین فردی مؤثر با دیگران و رعایت ضوابط اجتماعی در جامعه است؛ به طوری که جهت‌گیری اجتماعی مثبت، به رعایت حقوق دیگران و مسئولیت‌پذیری فرد نسبت به وظایف اجتماعی خویش در جامعه منجر گردیده و مانع رفتارهای ضد اجتماعی او در جامعه می‌شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳).

عدم پذیرش مسئولیت در مسائل اجتماعی و انزوای اجتماعی یا گرایش به افکار تمامیت‌خواهانه در مسائل سیاسی، یکی از دغدغه‌های روانشناسان و جامعه‌شناسان است؛ دغدغه‌ای که اریک فروم نیز آن را به شکل آزادی در برابر امنیت به عنوان تعارض بنیادی انسان تئوریزه کرده است. از نظر فروم، هنگامی که انسان‌ها حس می‌کنند آزادتر هستند، بیشتر احساس تنهایی، بی‌اهمیتی و بیگانگی از دیگران می‌کنند و برعکس، هر قدر آزادی کمتری داشته‌اند، احساس تعلق و امنیت آن‌ها بیشتر است. همین مسئله سبب شده است عده‌ای هر چند تلاش کرده‌اند ضمن حفظ آزادی و تمامیت خود به انسان‌های دیگر پیوند بخورند، عده‌ای نیز دست به انکار آزادی زده و فردیت و تمامیت خود را تسلیم کنند. این افراد، علاوه بر آن ممکن است به مکانیسم‌های روانی دیگری چون اقتدارطلبی، ویران‌سازی و همنوایی بلااراده روی آورند (شولتز، ۱۳۹۲). بدین ترتیب، روانشناسی اجتماعی از روانشناسی سیاسی سر درمی‌آورد و به دنبال کشف روابط مکانیسم‌های روانی با رفتارهای سیاسی است که تعجب ما را برمی‌انگیزد. مطالعات استانیلی میلگرام (۱۹۶۳) در خصوص اطاعت و فرمان‌برداری در دانشگاه ییل، نتایج تعجب‌برانگیزی از اطاعت کورکورانه را در آزمودنی‌ها نشان داد (کریمی، ۱۳۹۵) که ارتباط بسیار زیادی با سیاست و گرایش به دیکتاتوری و فاشیسم دارد. پیش‌تر از میلگرام و

روانشناسان اجتماعی دیگر، زیگموند فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹) و روانکاو، تأثیر بزرگی بر رشته روانشناسی سیاسی گذاشت. متون توت و تابو (۱۹۱۳) و روانشناسی گروهی و تحلیل نفس (۱۹۲۱)، روانکاو را با سیاست مرتبط می‌کند. فروید و بولیت (۱۹۶۷)، اولین توضیح روانی را در مورد چگونگی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی رئیس‌جمهور ایالات متحده و ودرو ویلسون بر تصمیم‌گیری او در طول جنگ جهانی اول ارائه کردند. ویلهلم رایش (۱۸۹۷-۱۹۵۷) با الهام از اثرات جنگ جهانی دوم، علاقه‌مند بود بداند که آیا تیپ‌های شخصیتی بر اساس دوره، فرهنگ و طبقه متفاوت است یا خیر؟ وی تأثیر دوسویه گروه، جامعه و محیط را با شخصیت بیان کرد. او در کتاب روانشناسی توده‌ای فاشیسم (۱۹۳۳)، نظریه‌های فرویدی و مارکسیستی را با یکدیگر ترکیب کرد. همچنین، مجله روانشناسی سیاسی و اقتصاد جنسی (۱۹۳۴-۱۹۳۸) را ویرایش کرد که اولین مجله‌ای بود که روانشناسی سیاسی را به یک زبان مهم غربی بیان می‌کرد (وان گینکن، ۱۹۸۸). در ایالات متحده آمریکا، تحقیقات هارولد لاسول (۱۹۰۲-۱۹۷۸) به تحقیقات جامعه‌شناختی درباره جنگ جهانی اول انجامید. اثر او تحت عنوان «تکنیک تبلیغاتی در جنگ جهانی» (۱۹۲۷) در مورد استفاده از نظریه‌های روان‌شناختی به منظور تقویت تکنیک تبلیغاتی بحث می‌کرد. همچنین، وی اندکی بعد شروع به گره زدن نظریه‌های شخصیت فرویدی و آدلر به سیاست کرد و آسیب‌شناسی روانی و سیاست (۱۹۳۰) را منتشر نمود. نظریات عمده او شامل انگیزه‌های فعالان سیاسی و رابطه بین تبلیغات و شخصیت بود.

در تفکیک خویشتن<sup>۱</sup> قرار است در پی توازن و تعادل بوده و به یک تعریف یا هویت شخصی<sup>۲</sup> دست یابیم. هدف اصلی تفکیک خویشتن، توازن میان احساسات و شناخت است. تفکیک در معنای بوئن آن، بیشتر یک فرآیند است تا هدفی دست‌یافتنی (تفکیک در حکم مسیر زندگی است، نه یک حالت وجود یا بودن) (Peleg-Popko, 2002). نقش محوری خانواده در شکل‌گیری شخصیت سیاسی فرد از نقش آن به‌عنوان منبع اصلی و جایگاه ارضای همه نیازهای اساسی و فطری او ناشی می‌شود؛ بنابراین، کودک تمایل دارد با والدین خود هم‌ذات‌پنداری نموده و دیدگاه آن‌ها را نسبت به نظام سیاسی اتخاذ کند. پدر به شخصیت اولیه مرجع تبدیل می‌شود و از این طریق، دیدگاه کودک را نسبت به اقتدار سیاسی آغاز می‌کند. تحت شرایط خانوادگی و سایر شرایط اجتماعی که در آن، کودک از وابستگی به خودمختاری پیشرفت می‌کند، احتمالاً به یک شهروند بالغ و مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌شود. وقتی از محرومیت جسمی یا عاطفی رنج می‌برد، احتمالاً الگویی از وابستگی مزمن ایجاد می‌کند که شامل مسائل سیاسی نیز می‌شود. هنگامی که تعارض بین نیازهای نوظهور خود، الگوهای خانواده برای ارضای آن‌ها و خواسته‌ها و فرصت‌های جامعه بزرگ ایجاد می‌شود، کودک در حال رشد دچار آشفتگی روانی می‌شود؛ بنابراین، تنها به تدریج می‌تواند از سلسله‌مراتب به الگوهای رفتار سیاسی یکسان تبدیل شود که در آن می‌تواند قدرت را به شکل مسئولانه با هم‌شهریان برابر جدید خود تقسیم کند (داوی، ۱۹۶۵). توجه به تفرد و تمایز یافتگی را می‌توان از همان بدو پیدایش روانشناسی شاهد بود و در نظریه‌های بسیار از نظریه‌پردازان روانشناسی نیز قابل مشاهده است. روانشناسانی چون یونگ، ورنر، مارگارت ماهر و دیگران به نحوی تفرد و تمایز را در روند رشد فرد در کودکی و نوجوانی مطرح کرده‌اند (کرین ویلیام، ۱۳۹۵). بوئن نیز مفهوم تفرد و تمایز یافتگی را از روانشناسان قبلی وام گرفته است. تفکیک خویشتنی که بوئن مطرح می‌کند، به نوعی از هویت شخصی ختم می‌شود و فرد بین عواطف و رفتار عقلانی، توازن برقرار می‌کند (گلدنبرگ، ۱۳۹۷). در حقیقت، مفهومی که ما را به نظریه بوئن بیش از هر چیزی رهنمون می‌سازد، مفهوم واپسروی اجتماعی<sup>۳</sup> بوده که بسط نظریه تفکیک خویشتن از طرف بوئن به جامعه است. در نظر بوئن، جامعه نیز همچون خانواده نیروهای متضادی برای نامتمازسازی-فردیت در خود دارد (گلدنبرگ، ۱۳۹۷). از جمله مفاهیم دیگر روانشناسی که به نظر می‌رسد در رفتارها

1. self-differentiation  
2. self-definition  
3. societal repression

و جهت گیری‌های سیاسی و اجتماعی تأثیر دارد، هویت<sup>۱</sup> است. اریکسون (۱۹۵۰، ۱۹۶۸)، اولین کسی بود که هویت را به عنوان پیشرفت مهم شخصیت نوجوان و گامی مهم به سمت تبدیل شدن به بزرگسال ثمربخش و خوشحال تشخیص داد. تشکیل هویت عبارت است از اینکه مشخص کنید چه کسی هستید، برای چه چیزی ارزش قائلید و تصمیم گرفته‌اید چه مسیری را در زندگی دنبال کنید (برک لورا ای، ۱۳۸۹). نوجوانان و بزرگسالانی که احساس هویت خود در آن‌ها قوی است، خود را افرادی مجزا و متمایز از دیگران می‌دانند. کلمه فرد که معادل کلمه شخص است، نشانگر نیازی است همگانی به درک خود به عنوان کسی که به رغم داشتن چیزهای مشترک با دیگران، جدا از آن‌هاست (اریکسون، ۱۹۵۶، به نقل از ماسن، کیگان، هوستون و کانجر، ۱۳۷۳).

شخصیت نیز از فاکتورهای مهمی است که در بررسی مسائل اجتماعی و سیاسی دخیل است. نظریه‌های مختلفی در این حوزه وجود دارد که در این میان، نظریه صفات یکی از رویکردهای اساسی روانشناسی شخصیت است. فرض اساسی دیدگاه صفات این است که انسان دارای آمادگی‌های گسترده‌ای است که صفات نام دارد و به طرق خاصی به محرک‌ها پاسخ می‌دهد (پروین، ۱۳۹۵). آلپورت به عنوان پیشرو نظریه صفات در شخصیت برای سامان دادن اصطلاحات مختلفی که برای توصیف شخصیت می‌شد، صفات شخصیتی را به سه صفات اصلی، صفات مرکزی و صفات ثانویه دسته اصلی تقسیم کرد (سانتراک، ۲۰۰۴؛ ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۳). بعد از او، ریموند کتل صفات را به چند طریق طبقه‌بندی کرد: صفات مشترک و صفات منحصر به فرد؛ صفات توانشی، خلقی و پویشی؛ صفات سطحی و عمقی؛ صفات سرشتی و صفات محیط‌ساخته (شولتز، ۱۳۹۲). آیزنک، مدل سه‌بعدی شخصیت را به شکل برون‌گرایی، بی‌ثباتی و روان‌پریش‌خویی ارائه داد که مبتنی بر نظریه صفات بود. به دنبال وی، رابرت مک کری و پل کاستا با مدل پنج عاملی رابرت مک کری و پل کاستا (۱۹۸۵، ۱۹۹۲، ۱۹۹۵) از تحلیل عوامل برای دستیابی به نظریه پنج عاملی استفاده کردند. این پژوهشگران با ترکیب تمام یافته‌های پژوهشی پیشین و فهرست طولانی صفت‌های شخصیت احتمالی دریافتند که حتی اگر آزمون‌های مختلفی مورد استفاده قرار گیرند، غالباً صفت‌های مشخصی به دست می‌آیند. این پنج بعد عمده شخصیت که اغلب «پنج عامل عمده» نامیده می‌شوند (به نقل از هافمن و همکاران، ۱۹۹۷، ترجمه بحیرایی و همکاران، ۱۳۸۶)؛ روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی نسبت به تجربه، وظیفه‌شناسی و توافق‌جویی. پژوهشگران بعداً آزمون شخصیتی را به نام پرسشنامه شخصیت NEO ساختند که از سرواژه‌های به دست آمده از حروف اول سه عامل اول برای اسم آن استفاده شد است. یافته‌های باثبات عوامل یکسان از روش‌های ارزیابی مختلف، حکایت از آن دارند که می‌توان روی این عوامل به عنوان جنبه برجسته شخصیت حساب کرد (شولتز و شولتز، ۲۰۰۵). کاربردهای الگوی پنج عاملی به وسیله بسیاری از نظریه پردازان معاصر صفات به عنوان مبنایی برای ارائه ساختار شخصیت معرفی شده است. علاوه بر این، پرسشنامه شخصیت نیز (NEO-PI) به عنوان ابزار مناسبی برای اندازه‌گیری این صفات شناسایی شده است. به این ترتیب، بسیاری از کاربردهای بالقوه این الگو و پرسشنامه شخصیت از جمله انتخاب زمینه‌های حرفه‌ای، تشخیص شخصیت و آسیب‌شناسی و تصمیم‌گیری در مورد معالجات روان‌شناختی مشخص می‌شود (پروین، ۱۳۹۵).

یکی از مفاهیمی که به نظر می‌رسد ارتباط نزدیکی با تمایز خود، هویت و شخصیت دارد، انزوای اجتماعی<sup>۲</sup> است. اندیشمندان مختلف، انزوای اجتماعی را از جنبه‌های مختلف مطالعه کرده‌اند (لوچر و دیگران، ۲۰۰۵). انزوای اجتماعی را جدایی فیزیکی و اجتماعی افراد از دیگران تعریف کرده‌اند (سیمن، ۱۹۸۳). سیمن، انزوای اجتماعی را واقعیتی فکری می‌داند که در آن، فرد تعلق و انفعال کاملی را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند. یورک و وایت (۲۰۰۹)، آن را به معنای عدم پیوندهای اجتماعی در میان افراد می‌دانند. بروهانت و ونگر (۲۰۰۴)، انزوای اجتماعی را

1. identity

2. social isolation

در فقدان ارتباط با دیگر مردم می‌دانند. انزوای اجتماعی را می‌توان یک بعد دیگری از عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی و جهت‌گیری اجتماعی‌ای دانست که مبتنی بر کنار کشیدن از پذیرش مسئولیت‌های فردی دانست که با نظریه عدم تمایز خود بوئن و ابعاد هویتی اریکسون گره می‌خورد و پژوهش این مفهوم در این تحقیق ضرورت خود را نشان می‌دهد. می‌توان انتظار داشت که افراد به نسبت تفکیک خویشتن، هویت‌یافتگی و مؤلفه‌های شخصیتی و یا نشانه‌های انزوای اجتماعی، نگرش‌های اجتماعی و سیاسی متفاوتی داشته باشند. با توجه به خلأ پژوهشی که از باب ترکیب متغیرها در وجود دارد، این تحقیق می‌تواند به نوبه خود سرفصل خوبی در خصوص ارتباط فاکتورهای روانشناسی با گرایش‌های اجتماعی و سیاسی باشد.

### اهمیت و ضرورت پژوهش

نظر به اینکه رفتارهای سیاسی می‌تواند سرنوشت میلیون‌ها انسان را رقم بزند و زندگی آن‌ها را تحت شعاع رفتارهای رادیکال و افراطی و یا برعکس، رفتارهای همراه با مسامحه قرار دهد. تحقیق حاضر در جست‌وجوی این مسئله است که چه رابطه‌ای بین رفتارهای افراطی و رادیکال با عوامل روان‌شناختی وجود دارد. استانیلی میلگرام و سلومون به مطالعه هم‌رنگی با جماعت پرداختند و تأثیر مقبولیت اجتماعی را مشاهده نمودند. به اثرات فشار اجتماعی بر متابعت فرد از گروه‌ها پی بردند که به وضوح توضیح می‌داد چطور نازی‌ها بدون اختلال خاص به دلیل هم‌نواپی گروهی و هم‌رنگی با آن‌ها دست به جنایت‌های وحشتناک می‌زنند (اورنسون، ۱۳۸۴). همچنین، اریک فروم در کتاب گریز از آزادی با توجه به تعارض آزادی و امنیت در حیات بشری، معتقد است که رشد فرد در دوران کودکی موازی الگوی رشد و تحول بشریت است و کودک به موازاتی که رشد می‌کند، به تدریج استقلال و آزادی بیشتری به دست می‌آورد و به موازات آن، کودک احساس امنیت کمتری می‌کند. در فرایند رشد، مقداری جدایی و درماندگی وجود دارد که کودک می‌کوشد با به دست آوردن پیوندهای اولیه احساس امنیت را کسب کند و در این راه ممکن است از سه مکانیسم رابطه همزیستی، ترک/ویران‌سازی و عشق استفاده کند. از این سه مکانیسم، دو مکانیسم اولی نشانه عدم استقلال کودک هستند و تنها در مکانیسم سومی یعنی عشق است که نوعی تعادل مناسب بین امنیت و مسئولیت سبب می‌شود کودک خویشتن خود را رشد و گسترش دهد و کودک نیازی به گریز از آزادی احساس نمی‌کند (شولتز، ۱۳۷۸).

بدین ترتیب، عدم تمایز خویشتن و عدم تفکیک که بوئن نیز آن را بنیان خانواده‌درمانی خود معرفی می‌کند، یک بار دیگر خود را در مسائل اجتماعی و سیاسی نشان می‌دهد. اگر بوئن معتقد است که عدم تمایز خویشتن، سبب مشکلات خانوادگی می‌شود، هیچ دلیلی ندارد که این نوع از ساختار شخصیتی در جهت‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی به معنای مجموعه‌ای یکپارچه از نگرش‌ها و باورها در موضوعات اجتماعی و سیاسی خود را نشان ندهد. جهت‌گیری‌های سیاسی موردنظر در اینجا محافظه‌کاری-لیبرالیسم، توتالیترالیسم-دموکراسی است. در حقیقت، جهت‌گیری اجتماعی به این معنی است که فرد به برقراری ارتباط با دیگران تمایل داشته، حقوق دیگران را رعایت کند و فاقد رفتارهای کناره‌گیرانه و شخصیت ضد اجتماعی باشد (واینر، ۱۹۸۰). به تعبیری، جهت‌گیری اجتماعی حاکی از روابط بین فردی مؤثر با دیگران و رعایت ضوابط اجتماعی در جامعه است؛ به طوری که جهت‌گیری اجتماعی مثبت، به رعایت حقوق دیگران و مسئولیت‌پذیری فرد نسبت به وظایف اجتماعی خویش در جامعه منجر گردیده و مانع رفتارهای ضد اجتماعی او در جامعه می‌شود. اغلب مطالعات انجام‌شده در حوزه روانشناسی معطوف به درون فرد و روابط بین فردی است. در این راستا، جای خالی مطالعاتی حس می‌شود که در آن بتوان با مفاهیم روانکاوی و روانشناسی به پیش‌بینی رفتارهای گروه‌های سیاسی و اجتماعی و بررسی و تحلیل تحولات جوامع پرداخت و از

آسیب‌های احتمالی رویکردهایی پیشگیری کرد که جوامع را به قهقرا سوق می‌دهند و زندگی خیلی‌ها را در کانون تشنجات بی‌جای روان‌شناختی افراد و رهبرهای سیاسی و اجتماعی قرار می‌دهند. هرچند اغلب روانشناسان به ارتباط تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با شخصیت و انزوای اجتماعی و همچنین، ارتباط این فاکتورها با مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی قائل‌اند؛ ولی اینکه این ارتباط چگونه ممکن است خود را نشان بدهد، نوعی ابهام وجود دارد. از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال کندو کاو دقیق‌تری در این حوزه است. در این تحقیق تلاش خواهیم کرد با بررسی رابطه بین متغیرهای مختلفی که در روانشناسی مورد استفاده قرار می‌گیرند، بررسی جامعی در حوزه رفتارهای سیاسی و اجتماعی و ارتباط آن با دینامیزهای روانی انجام دهیم. همین مطلب سبب می‌شود که نگاهی تک‌بعدی و تک‌متغیره به یک مسئله نداشته باشیم. این تحقیق، علاوه بر اینکه می‌تواند به پیشرفت در حوزه نظری علم روانشناسی و علوم اجتماعی کمک کند، می‌تواند فایده عملی در تصمیمات سیاسی و اجتماعی ایفا کند و از بسیاری از خطاها در امر تصمیم‌گیری‌های مختلف که افراد بسیاری را درگیر می‌کند، جلوگیری نماید.

هدف کلی این پژوهش، تحلیل رابطه علی تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نگرش سیاسی و اجتماعی دانشجویان با در نظر گرفتن نقش میانجی ویژگی‌های شخصیت و انزوای اجتماعی است. اهداف اختصاصی پژوهش عبارت‌اند از تعیین تأثیر تفکیک خویشتن بر نگرش سیاسی؛ تعیین تأثیر تفکیک خویشتن بر نگرش اجتماعی؛ تعیین تأثیر ابعاد هویت بر نگرش سیاسی و اجتماعی؛ تعیین تأثیر ابعاد هویت بر نگرش اجتماعی؛ تعیین تأثیر تفکیک خویشتن بر نگرش سیاسی با میانجیگری ویژگی‌های شخصیتی؛ تعیین تأثیر تفکیک خویشتن بر نگرش اجتماعی؛ تعیین تأثیر تفکیک خویشتن بر نگرش اجتماعی با میانجیگری ویژگی‌های شخصیتی؛ تعیین تأثیر تفکیک خویشتن بر نگرش سیاسی با میانجیگری ویژگی‌های شخصیتی؛ تعیین تأثیر ابعاد هویتی بر نگرش سیاسی با میانجیگری ویژگی‌های شخصیتی؛ تعیین تأثیر ابعاد هویتی بر نگرش اجتماعی و تعیین تأثیر ابعاد هویتی بر نگرش اجتماعی با میانجیگری انزوای اجتماعی.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف آن و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها به روش توصیفی و از نوع طرح‌های همبستگی و به‌ویژه روش مدل‌یابی معادلات ساختاری<sup>۱</sup> بوده است. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر، آزمون فرضیه و الگوی نظری ارائه‌شده است، در پی تبیین روابط میان متغیرهای زیربنایی نگرش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان است و کاربرد نتیجه در درجه اول در یک زمینه خاص مطرح نیست. همچنین، از آنجاکه هدف آن، توصیف شرایط پدیده‌ها و متغیرهای مورد بررسی و شناخت بیشتر شرایط موجود است، در زمره پژوهش‌های توصیفی قرار می‌گیرد. جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری، حداقل حجم نمونه مدل معادلات ساختاری و تحلیل عاملی بر اساس تعداد سازه‌های اصلی یا متغیرهای پنهان تعیین می‌شود. با وجود آنکه توافق کلی در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل‌های ساختاری وجود ندارد؛ اما به زعم بسیاری از پژوهشگران، حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ است. در تحلیل عاملی اکتشافی برای هر متغیر مشاهده‌پذیر، ۵ تا ۱۰ نمونه لازم است. در ضمن، کف نمونه ۳۰۰ نمونه توصیه شده است (سرمد و همکاران، ۱۳۹۴). در تحلیل عاملی تأییدی و مدل ساختاری، حداقل حجم نمونه بر اساس متغیرهای پنهان تعیین می‌شود، نه متغیرهای مشاهده‌پذیر. در اینجا، ۲۰ نمونه برای هر عامل (متغیر پنهان) لازم است. به‌طور کلی، حداقل ۲۰۰ نمونه توصیه شده است (حبیبی و عدن‌ور، ۱۳۹۶). متغیرهای پنهان، همان عامل‌ها یا ابعاد مدل و متغیرهای

مشاهده‌پذیر نیز همان سؤالات پرسشنامه هستند. از آنجاکه روش‌شناسی مدل معادلات ساختاری، تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چند متغیری شباهت دارد، می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چند متغیری برای تعیین حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده نمود. شش متغیر مشاهده‌پذیر، حدود ۲۰ متغیر پنهان و با در نظر گرفتن حداقل نمونه لازم برای این نوع از تحقیقات حجم نمونه برای این تحقیق، حداقل ۳۰۰ نفر آن هم به‌طور تصادفی انتخاب خواهند شد. توضیحات لازم در خصوص نحوه پر کردن و رعایت امانت‌داری علمی و پاسخ صحیح به پرسشنامه‌ها ارائه خواهد شد و بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و مشخص شدن پرسشنامه‌های معتبر نسبت به استخراج نتایج از آن اقدام خواهد شد.

### ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه تفکیک خویشتن؛ ۲- پرسشنامه حالات هویت آدامز و بنیون؛ ۳- مقیاس جهت‌گیری اجتماعی هاریسون؛ ۴- مقیاس استبدادی جناح راست (VSA)؛ ۵- پرسشنامه انزوای اجتماعی (UCLA)؛ ۶- پرسشنامه شخصیت پنج عاملی (NEO).

### روش اجرای پژوهش

به‌منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز پژوهش، پرسشنامه‌های مذکور، تهیه، تکثیر و آماده‌سازی شدند. سپس با مراجعه به دانشگاه‌های موردنظر داده‌ها جمع‌آوری شدند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و کدگذاری آن‌ها و استخراج داده‌ها، پرسشنامه‌ها به‌صورت رایانه‌ای ثبت گردید. سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS24، کلیه ضرایب همبستگی، ضرایب پایایی و نتایج مربوط به آمار توصیفی محاسبه گردید. همچنین، با استفاده از نرم‌افزار AMOS-24، مدل‌های مربوط به تحلیل عاملی پرسشنامه‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند. برای تحلیل فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار SMARTPLS3 استفاده شد.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

برای توصیف و تحلیل داده‌های پژوهش از شاخص‌ها و روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. کلیه ضرایب همبستگی، ضرایب پایایی و نتایج مربوط به آمار توصیفی با استفاده از نرم‌افزار SPSS24 و SMARTPLS3 مورد تحلیل قرار گرفت. در بخش روش‌های توصیفی با استفاده از جداول و نمودارهای متغیرهای جمعیت‌شناختی، شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش، داده‌های به‌دست آمده مورد بررسی قرار گرفت. سپس به تحلیل و بررسی استنباطی داده‌ها پرداخته شد. جهت تدوین مدل علی عملکرد شغلی، ماتریس همبستگی کلیه متغیرهای مورد پژوهش، تهیه و تنظیم گردید. محاسبات لازم پس از تهیه ماتریس همبستگی با استفاده از نرم‌افزار SMARTPLS3 صورت گرفت و برای مدل پیشنهادی تحلیل، روش‌های مختلف برازش اجرا گردید. پس از آنکه ماتریس همبستگی کلیه متغیرها آماده شد، با کمک نرم‌افزار SMARTPLS3، تحلیل معادلات ساختاری اجرا گردید تا مدل نهایی به دست آید و برازش مدل با داده‌ها تعیین گردد. در گام اول از تحلیل عاملی تأییدی<sup>۱</sup> (CFA) برای ارزیابی برازندگی مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای مکنون فرضی استفاده شد. به عبارت دیگر، در این گام به بررسی این موضوع پرداخته شد که آیا اندازه‌های مشاهده‌شده به‌خوبی و درستی سازه‌های مکنون فرضی را اندازه‌گیری می‌نمایند. در گام دوم از مدل معادلات ساختاری (SEM) برای ارزیابی مدل فرضی استفاده گردید. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS، AMOS و SMARTPLS3 انجام شد. در این پژوهش از چند شاخص برای

1. confirmatory factor analysis



ارزشیابی و مقایسه برازندگی کلی مدل‌های CFA و SEM استفاده شد؛ نظیر مجذور کای و ارزش  $p < 0/05$ ، نسبت مجذور کای، شاخص نیکویی برازش<sup>۱</sup> (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته<sup>۲</sup> (AGFI)، شاخص برازندگی مقایسه‌ای<sup>۳</sup> (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی<sup>۴</sup> (IFI) و ریشه خطای میانگین مجذورات<sup>۵</sup> (RMSEA) که برای نشان دادن برازش مدل با داده‌ها استفاده شدند. در ضمن، وزن‌ها و ضرایب استاندارد بین متغیرها به‌عنوان شاخصه‌ای از رابطه، توسط نرم‌افزار گزارش شد. تأثیرات کلی، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای برون‌زاد و متغیرهای واسط و متغیرهای درون‌زاد بر اساس ضرایب مسیر، تعیین و برآورد شد؛ واریانس قابل پیش‌بینی توسط کل مدل محاسبه گردید و درنهایت، بحث و تفسیر نتایج توسط محقق گزارش داده شد.

## یافته‌های توصیفی

### الف- ویژگی‌های جمعیت شناختی

در جدول ۱، توزیع فراوانی وضعیت تأهل، سابقه مصرف و تحصیلات شرکت‌کنندگان در پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
وضعیت تأهل	متأهل	۲۱۱	۷۰/۳	۷۰/۳
	مجرد	۸۹	۲۹/۷	۱۰۰
	کل	۳۰۰	۱۰۰	
جنسیت	زن	۱۴۷	۴۹	۴۹
	مرد	۱۵۳	۵۱	۱۰۰
	کل	۳۰۰	۱۰۰	
تحصیلات	لیسانس	۲۰۸	۶۹/۳	۶۹/۳
	فوق‌لیسانس	۶۵	۲۱/۷	۲۱/۷
	دکتری	۲۷	۹	۱۰۰
	کل	۳۰۰	۱۰۰	

در جدول ۲، نمره میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان در پژوهش گزارش شده است. مطابق با یافته‌های این جدول مشخص است که میانگین سن شرکت‌کنندگان در تحقیق برابر با ۳۷/۴۵ (با انحراف معیار ۸/۳۱) است.

جدول ۲. آمار توصیفی سن شرکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
سن	۲۶۲	۲۰	۶۵	۳۷/۴۵	۸/۳۱

در جدول ۳، نمرات میانگین و انحراف معیار متغیر برون‌زاد (علائم روان‌شناختی منفی)، میانجی (خودکارآمدی و دشواری در تنظیم هیجان) و درون‌زاد (عقاید و سوسه‌انگیز) گزارش شده است.

1. goodness of fit index  
 2. adjusted goodness of fit index  
 3. comparative fit index  
 4. incremental fit index  
 5. standardised root mean squared residual

جدول ۳. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد	بعد
۹/۱۵۱۸۱	۳۳/۲۱۶۷	۵۶/۰۰	۱۵/۰۰	۳۰۰	روان رنجورخویی
۷/۴۲۲۲۸	۲۸/۹۹۳۳	۴۷/۰۰	۱۵/۰۰	۳۰۰	برون‌گرایی
۵/۹۷۲۳۲	۲۷/۰۸۳۳	۴۵/۰۰	۱۳/۰۰	۳۰۰	باز بودن به تجربه‌ها
۶/۶۷۶۹۵	۲۹/۳۷۰۰	۴۹/۰۰	۱۴/۰۰	۳۰۰	توافق‌پذیری
۸/۱۳۷۳۴	۳۰/۱۳۳۳	۵۰/۰۰	۱۴/۰۰	۳۰۰	وظیفه‌شناس بودن
۱۱/۳۸۵۲۰	۴۴/۷۹۳۳	۶۹/۰۰	۲۲/۰۰	۳۰۰	انزوای اجتماعی
۳۴/۲۰۴۹۶	۱۲۹/۹۸۰۰	۲۰۳/۰۰	۶۲/۰۰	۳۰۰	تفکیک خویشتن
۱۲/۰۸۸۲۱	۳۸/۷۱۳۳	۶۰/۰۰	۱۸/۰۰	۳۰۰	هویت به تعلیق افتاده
۱۱/۴۶۸۷۳	۳۵/۶۷۳۳	۶۰/۰۰	۱۸/۰۰	۳۰۰	هویت پیشرفته
۱۱/۵۸۵۷۹	۳۸/۹۱۶۷	۶۰/۰۰	۲۰/۰۰	۳۰۰	هویت آشفته
۱۱/۴۹۱۱۳	۳۸/۶۰۳۳	۶۱/۰۰	۱۶/۰۰	۳۰۰	هویت زود شکل یافته
۱۷/۷۵۷۴۹	۷۲/۵۷۶۷	۱۰۸/۰۰	۴۲/۰۰	۳۰۰	نگرش اجتماعی
۸/۶۴۴۹۵	۲۴/۰۶۳۳	۴۰/۰۰	۱۰/۰۰	۳۰۰	نگرش سیاسی

### یافته‌های استنباطی

برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. این روش آماری، همان بسط و گسترش روش رگرسیون و تحلیل عاملی است. به عبارت دیگر، در مدل‌یابی معادلات ساختاری به‌طور هم‌زمان معادلات رگرسیون چندین متغیر مکنون و یا مشاهده‌شده با در نظر گرفتن متغیرهای واسطه در معادله، مورد بررسی قرار می‌گیرد. کلیه محاسبات این بخش با استفاده از نرم‌افزار 3-SMARTPLS انجام شد؛ اما به‌منظور اینکه مدل‌یابی معادلات صحیح دارای برآوردهای قابل اعتمادی باشد، باید برخی از پیش‌فرض‌های این مدل مورد بررسی قرار گیرد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

پیش‌فرض اول: نرمال بودن توزیع پراکندگی متغیرها

یکی از پیش‌فرض‌های مهمی که باید در تحلیل داده‌های مربوط به معادلات ساختاری به آن توجه کرد، بررسی توزیع پراکندگی داده‌ها است. توزیع پراکندگی داده‌ها مستقیماً با روش برآورد پارامترها در مدل‌یابی معادلات ساختاری مرتبط است؛ بدین ترتیب که اگر توزیع پراکندگی داده‌ها نرمال باشد، از برآوردگر بیشینه درست‌نمایی و اگر نرمال نباشد، از روش‌های جایگزین برای این کار استفاده می‌شود.

جدول ۴. چولگی و کشیدگی داده‌ها

تعداد	چولگی		کشیدگی		
	آماره	خطای انحراف معیار	خطای انحراف معیار	آماره	
۳۰۰	۰/۲۶۹	۰/۱۴۱	۰/۱۴۱	-۰/۷۹۶	روان رنجورخویی
۳۰۰	۰/۵۲۲	۰/۱۴۱	۰/۱۴۱	-۰/۷۶۸	برون‌گرایی
۳۰۰	۰/۶۰۷	۰/۱۴۱	۰/۱۴۱	-۰/۲۷۲	باز بودن به تجربه‌ها
۳۰۰	۰/۵۹۳	۰/۱۴۱	۰/۱۴۱	۰/۰۸۶	توافق‌پذیری
۳۰۰	۰/۶۲۴	۰/۱۴۱	۰/۱۴۱	-۰/۵۷۹	وظیفه‌شناس بودن
۳۰۰	۰/۰۴۰	۰/۱۴۱	۰/۱۴۱	-۱/۰۱۰	انزوای اجتماعی
۳۰۰	۰/۳۰۹	۰/۱۴۱	۰/۱۴۱	-۰/۸۵۲	تفکیک خویشتن
۳۰۰	۰/۰۳۴	۰/۱۴۱	۰/۱۴۱	-۱/۵۱۴	هویت به تعلیق افتاده
۳۰۰	۰/۳۷۱	۰/۱۴۱	۰/۱۴۱	-۱/۲۱۹	هویت پیشرفته

تعداد	چولگی		کشیدگی	
	آماره	خطای انحراف معیار	آماره	خطای انحراف معیار
۳۰۰	۰/۰۱۵	۰/۱۴۱	-۱/۴۲۷	۰/۲۸۱
۳۰۰	-۰/۰۹۸	۰/۱۴۱	-۱/۲۱۴	۰/۲۸۱
۳۰۰	۰/۲۸۱	۰/۱۴۱	-۱/۱۲۳	۰/۲۸۱
۳۰۰	-۰/۰۴۱	۰/۱۴۱	-۱/۴۲۵	۰/۲۸۱

در جدول ۴، مقادیر مربوط به چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش گزارش شده است. با توجه به این جدول مشخص است که مقادیر چولگی و کشیدگی، همگی بین ۲+ و ۲- قرار دارند که بر توزیع نرمال متغیرهای پژوهش دلالت دارد.

پیش فرض دوم: عدم وجود هم خطی بودن چندگانه

جدول ۵. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱ تفکیک خویشتن	1											
۲ هویت به تعویق افتاده	.209**	1										
۳ هویت پیشرفته	.426**	.249**	1									
۴ هویت آشفته	.237**	-.045	-.133*	1								
۵ هویت زود شکل یافته	-.210**	-.216**	-.263**	-.064	1							
۶ روان رنجورخویی	-.281**	-.354**	-.272**	-.097	.325**	1						
۷ برون گرایی	.298**	.329**	.271**	-.093	-.315**	-.229**	1					
۸ باز بودن به تجربه ها	.234**	.317**	.357**	-.346**	-.395**	-.105	.425**	1				
۹ توافق پذیری	.199**	.183**	.120*	.130*	.121*	-.142*	.054	-.079	1			
۱۰ باوجدان بودن	.179**	.200**	-.096	-.024	-.004	-.002	.068	-.082	.366**	1		
۱۱ انزوای اجتماعی	-.341**	-.345**	-.341**	.013	.174**	.213**	-.463**	-.218**	-.230**	-.179**	1	
۱۲ نگرش اجتماعی	.255**	.330**	.344**	-.142*	-.382**	-.259**	.294**	.399**	.041	.164**	-.171**	1
۱۳ نگرش سیاسی	-.331**	-.255**	-.354**	.067	.272**	.271**	-.250**	-.372**	-.248**	-.079	.328**	-.264**

\*\* P<.01 \* P<.05

با توجه به نتایج گزارش شده در جدول ۵ مشخص است که همبستگی بین نمره کل نگرش سیاسی با تفکیک خویشتن، رابطه منفی و معناداری دارد ( $r=-.331$ ;  $P<.01$ ). همچنین، رابطه نگرش سیاسی با حالات هویت به تعویق افتاده ( $r=-.255$ ;  $P<.01$ )، پیشرفته ( $r=-.354$ ;  $P<.01$ ) و هویت زود شکل یافته ( $r=.272$ ;  $P<.01$ ) از نظر آماری معنادار است. با این حال، رابطه همبستگی بین نگرش سیاسی با هویت آشفته از نظر آماری معنادار نیست. از طرف دیگر، رابطه بین نگرش سیاسی با بعد روان رنجورخویی برابر با  $0/271$ ، با برون گرایی برابر با  $0/25$ ، باز بودن به تجربه ها برابر با  $0/27$  و توافق پذیری برابر با  $0/248$  است که از نظر آماری در سطح  $P<.01$  معنادار هستند؛ ولی همبستگی معناداری با بعد وظیفه شناس بودن نداشتند. در ضمن، همبستگی بین نگرش اجتماعی با انزوای اجتماعی برابر با  $0/328$  و با نگرش اجتماعی برابر با  $0/264$  بوده که در  $P<.01$  معنادار هستند. به علاوه، همبستگی بین نمره کل نگرش اجتماعی با بعد روان رنجورخویی برابر با  $0/259$  و با بعدهای برون گرایی، باز بودن به تجربه ها و باوجدان بودن، به ترتیب برابر با  $0/294$ ،  $0/399$  و  $0/164$  بوده که از نظر آماری مثبت و معنادار است. همچنین، همبستگی منفی و معناداری با انزوای اجتماعی دارد ( $r=-.17$ ;  $P<.01$ ). مطابق با یافته های جدول ۵ مشخص است که رابطه بین بعد نگرش اجتماعی با

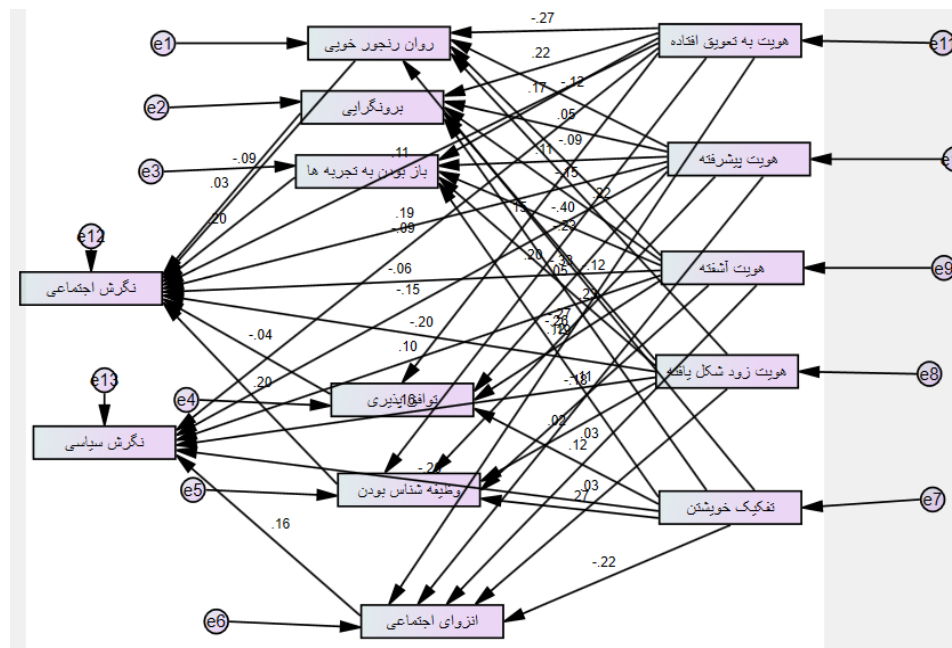
تفکیک خویشتن برابر با ۰/۲۵۵ بوده که در  $P < 0.01$  معنادار است. رابطه بین نگرش اجتماعی با هویت به تعویق افتاده و پیشرفته، به ترتیب برابر با ۰/۳۳ و ۰/۳۴ و با حالات هویت آشفته و زود شکل یافته، به ترتیب برابر با ۰/۱۴ و ۰/۳۸- بوده که از نظر آماری معنادار هستند. با توجه به همبستگی متوسط و پایین بین متغیرهای پیش‌بینی کننده می‌توان نتیجه گرفت که فرض هم‌خطی بودن چندگانه برقرار است.

پیش فرض سوم: تعیین پذیری مدل

برای اینکه ضرایب رگرسیون، بارهای عاملی و سایر پارامترهای مدل قابل برآورد باشد، باید مدل قابل تعیین باشد یا به عبارت بهتر، درجات آزادی مدل از تعداد مجهولات بالاتر باشد. برای این کار، در هر عامل مکنون، ضرایب یکی از بارهای عاملی که دارای بیشترین پایایی بر روی همان عامل بود، برابر با ۱ قرار داده شد. از این طریق، مدل تحقیق قابل تعیین بود.

### فرضیه‌های پژوهش

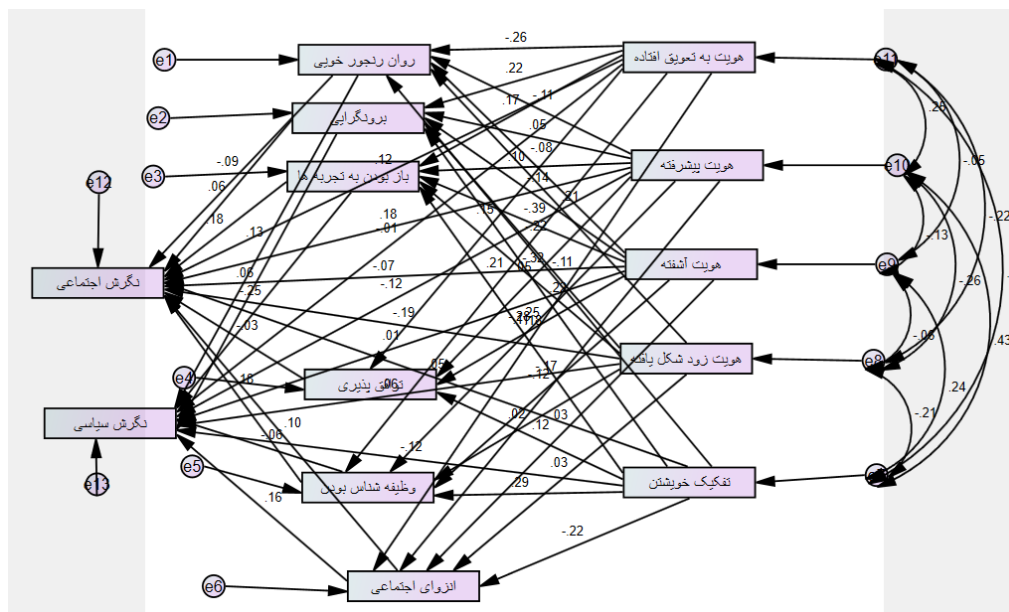
فرضیه کلی: مدل مفهومی پیش‌بینی نگرش اجتماعی و سیاسی بر اساس تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نقش میانجیگرانه ابعاد شخصیتی و انزوای اجتماعی در بین دانشجویان برآزش دارد. در شکل ۱، تحلیل مدل مسیر با استفاده از روش برآورد بیشینه درست‌نمایی به صورت تصویری گزارش شده است. کلیه ضرایب برآورده شده در این شکل، ضرایب استاندارد هستند.



شکل ۱. ضرایب مسیر استاندارد برآورده شده با استفاده از روش برآورد بیشینه درست‌نمایی برای مدل مفروض

قبل از ارائه هرگونه تفسیر از ضرایب به دست آمده باید از برازش مدل پیشنهادی با داده‌ها اطمینان حاصل کرد. با توجه به نتایج مشخص است که هیچ کدام از شاخص‌های برازش از مقدار قابل قبولی برخوردار نیستند. برای مثال، اندازه نسبت خنثی دو برابر با ۶/۵۰ بوده که خیلی بالاتر از ۳ است یا مقادیر CFI و TLI کوچک‌تر از ۰/۹۰ بوده؛ یعنی در حالت کلی، مدل مفروض شده تحقیق از برازش قابل قبولی برخوردار نیست.

با توجه به برازش پایین مدل تحلیل مسیر مفروض شده باید این مدل مورد تعدیل قرار گیرد. با توجه به همبستگی بین ابعاد هویت و تفکیک خویشتن، بهتر است رابطه همبستگی بین دوه‌دوی این متغیرها برقرار شود.



شکل ۲. مدل تعدیل یافته تحلیل مسیر

مطابق با یافته‌های گزارش شده در جدول مشخص است که تمام شاخص‌های برازش از مقدار قابل قبولی برخوردار هستند. برای مثال، مشخص است که اندازه نسبت خی دو به درجه آزادی برابر با  $2/89$  بوده که این مقدار کوچک‌تر از  $3$  است. سایر شاخص‌ها نظیر CFI و GFI و TLI دارای مقادیر بزرگ‌تر از  $0/90$  و RMSEA کوچک‌تر از  $0/08$  هستند که مقادیر قابل قبولی برای برازش مدل محسوب می‌شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی این پژوهش، تحلیل رابطه علی تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نگرش سیاسی و اجتماعی دانشجویان با در نظر گرفتن نقش میانجی ویژگی‌های شخصیت و انزوای اجتماعی بود. روش مورد استفاده در تحقیق فعلی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود که تعداد  $300$  نفر از دانشجویان دانشگاه‌های شهر خوی به صورت تصادفی به سؤالات پرسشنامه‌های تمایز یافتگی خود (R-DSI)، حالات هویت آدامز و بنیون، جهت‌گیری اجتماعی هاریسون (۲۰۰۳)، مقیاس استبدادی جناح راست (VSA) و پرسشنامه انزوای اجتماعی (UCLA) پاسخ دادند. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS 24 و AMOS 24 مورد تحلیل قرار گرفت. در ادامه به گزارش خلاصه یافته‌های توصیفی پژوهش پرداخته می‌شود.

### خلاصه یافته‌های پژوهش

تعداد  $211$  نفر از شرکت‌کنندگان، مجرد ( $70/3$ ) و  $89$  نفر ( $29/7$  درصد)، متأهل بودند. همچنین، تعداد  $147$  نفر ( $49$  درصد) رازان و  $153$  نفر ( $51$  درصد) را مردان تشکیل می‌دادند. از نظر تحصیلات، تعداد  $208$  نفر از مشارکت‌کنندگان در دوره لیسانس ( $69/3$  درصد)،  $65$  نفر در دوره کارشناسی ارشد ( $21/7$  درصد) و  $27$  نفر ( $9$  درصد) در دوره دکتری تحصیل می‌کردند. در ضمن، میانگین سن شرکت‌کنندگان در تحقیق برابر با  $26/81$  (با انحراف معیار  $7/08$ ) بود. نتایج ضرایب همبستگی نشان داد که همبستگی بین نمره کل نگرش سیاسی با تفکیک خویشتن، رابطه منفی و معناداری دارد ( $r=-0.331$ ;  $P<0.01$ )، به علاوه، رابطه نگرش سیاسی با حالات هویت به تعویق افتاده ( $r=-0.255$ ;  $P<0.01$ )،

پیشرفته ( $r=-0.354$ ;  $P<0.01$ ) و هویت زود شکل یافته ( $r=0.272$ ;  $P<0.01$ ) از نظر آماری معنادار بود. با این حال، رابطه همبستگی بین نگرش سیاسی با هویت آشفته از نظر آماری معنادار نبود.

از طرف دیگر، رابطه بین نگرش سیاسی با بعد روان‌رنجور خوئی برابر با  $0/271$ ، برون‌گرایی برابر با  $0/25$ ، باز بودن به تجربه‌ها برابر با  $0/27$  و توافق‌پذیری برابر با  $0/248$  بود که از نظر آماری در سطح  $P<0.01$  معنادار بود، ولی همبستگی معناداری با بعد وظیفه‌شناس بودن نداشت. همچنین، همبستگی بین نگرش اجتماعی با انزوای اجتماعی برابر با  $0/328$  و با نگرش اجتماعی برابر با  $0/264$  بود که در  $P<0.01$  معنادار است. در ضمن، همبستگی بین نمره کل نگرش اجتماعی با بعد روان‌رنجور خوئی برابر با  $0/259$  و با بعدهای برون‌گرایی، باز بودن به تجربه‌ها و باوجدان بودن، به ترتیب برابر با  $0/294$ ،  $0/399$  و  $0/164$  بود که از نظر آماری مثبت و معنادار است. علاوه بر آن، همبستگی منفی و معناداری با انزوای اجتماعی داشت ( $r=-0.17$ ;  $P<0.01$ ). همچنین، رابطه بین بعد نگرش اجتماعی با تفکیک خویشتن برابر با  $0/255$  بود که در  $P<0.01$  معنادار است. رابطه بین نگرش اجتماعی با هویت به تعویق افتاده و پیشرفته، به ترتیب برابر با  $0/33$  و  $0/34$  و با حالات هویت آشفته و زود شکل یافته، به ترتیب برابر با  $0/14$  و  $0/38$  بود که از نظر آماری معنادار است.

### فرضیه‌های پژوهش

فرضیه کلی: مدل مفهومی پیش‌بینی نگرش اجتماعی و سیاسی بر اساس تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نقش میانجی‌گرانه ابعاد شخصیتی و انزوای اجتماعی در بین دانشجویان برازش دارد. بعد از تعدیل مدل مفهومی پژوهش مشخص است که مدل پیشنهادی پژوهش از شاخص‌های برازش قابل قبولی برخوردار است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. در واقع، این مدل یک چارچوب تفکری بوده که ممکن است برای توضیح تعاملات میان نگرش‌های سیاسی و اجتماعی، تفکیک خویشتن، ابعاد هویتی، نقش میانجی‌گرانه ابعاد شخصیتی و انزوای اجتماعی را به کار می‌گیرد. این چارچوب توضیح می‌دهد که چگونه ابعاد هویتی و شخصیتی فرد می‌توانند به عنوان نقش میانجی‌گر در تأثیرگذاری بر نگرش‌های سیاسی و اجتماعی عمل کنند. برای مثال، اگر یک فرد از خود آگاه باشد و بتواند ابعاد شخصیتی و هویتی خویش را شناسایی کند، می‌تواند درک بهتری از نگرش‌های خود به مسائل اجتماعی و سیاسی داشته باشد. این شناخت ممکن است به فرد کمک کند تا درک بهتری از انزوای اجتماعی خود داشته باشد و از طریق ابعاد هویتی، نقش میانجی‌گرانه بین شخصیت و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی‌اش را درک کند. با این حال، این مدل چارچوبی نظری ارائه می‌دهد و پیش‌بینی دقیق و یا الزاماً کلیه جوانب رفتار اجتماعی یک فرد را تضمین نمی‌کند. این مدل، یکی از روش‌هایی است که محققان می‌توانند از آن استفاده کنند تا روابط بین عوامل مختلف را درک کنند؛ اما هر فرد ممکن است با توجه به ویژگی‌ها و شرایط شخصی خویش، به شکل متفاوتی به نگرش‌های سیاسی و اجتماعی نگاه کند.

### فرضیه‌های اختصاصی پژوهش

فرضیه اول پژوهش: تفکیک خویشتن، اثر مستقیمی بر نگرش سیاسی دانشجویان دارد؟

بر اساس یافته‌های به‌دست آمده، اندازه ضریب استاندارد رگرسیون تفکیک خویشتن بر نگرش سیاسی برابر با  $0/12$  بود که از نظر آماری این تأثیر معنادار نیست. به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که تفکیک خویشتن به‌طور مستقیم بر نگرش سیاسی تأثیر ندارد. این یافته ممکن است نشان‌دهنده این باشد که تفکیک خویشتن به‌طور مستقیم و بدون واسطه، تنها تأثیر کمی یا نادیده‌گرفته‌ای بر نگرش‌های سیاسی دانشجویان دارد. این یافته ممکن است به این دلیل

باشد که تفکیک خویشتن به تنهایی، بدون در نظر گرفتن سایر عوامل مثل ابعاد هویتی یا شخصیتی، توانایی کافی برای تبیین نگرش‌های سیاسی را ندارد. احتمالاً تأثیر تفکیک خویشتن بر نگرش سیاسی دانشجویان از طریق روابط پیچیده‌تری با سایر عوامل، مثل ابعاد هویتی یا میزان انزوای اجتماعی، ممکن است تعیین کننده‌تر باشد. ممکن است با وجود نتایجی که نشان می‌دهد تفکیک خویشتن، تأثیر مستقیم کمی دارد؛ در تأثیرگذاری بر نگرش‌های سیاسی، نقش میانجی‌گری یا تعامل با دیگر عوامل مؤثرتر باشد. در نتیجه، عدم وجود اثر مستقیم تفکیک خویشتن بر نگرش سیاسی می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که این عامل به تنهایی کافی نیست و باید با توجه به تعاملاتش با عوامل دیگر، نقش آن در تعیین نگرش‌های سیاسی بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

فرضیه دوم: تفکیک خویشتن، اثر مستقیمی بر نگرش اجتماعی دانشجویان دارد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که اندازه رگرسیون استاندارد تفکیک خویشتن بر نگرش اجتماعی برابر با ۰/۰۴۸ بوده که از نظر آماری معنادار نیست. به عبارت دیگر، می‌توان استنباط کرد که تفکیک خویشتن، تأثیر معناداری بر نگرش اجتماعی دانشجویان ندارد. این یافته ممکن است نشان‌دهنده این باشد که تفکیک خویشتن به طور مستقیم و بدون واسطه، تنها تأثیر کمی یا نادیده‌گرفتنی بر نگرش‌های اجتماعی دانشجویان دارد. احتمالاً تفکیک خویشتن به تنهایی، بدون در نظر گرفتن سایر عوامل مثل ابعاد هویتی یا شخصیتی، توانایی کافی برای تبیین نگرش‌های اجتماعی را ندارد. احتمالاً تأثیر تفکیک خویشتن بر نگرش‌های اجتماعی دانشجویان از طریق روابط پیچیده‌تری با سایر عوامل، مثل ابعاد هویتی یا میزان انزوای اجتماعی، ممکن است تعیین کننده‌تر باشد. ممکن است با وجود نتایجی که نشان می‌دهد تفکیک خویشتن، تأثیر مستقیم کمی دارد، در تأثیرگذاری بر نگرش‌های اجتماعی، نقش میانجی‌گری یا تعامل با دیگر عوامل ممکنه مؤثرتر باشد. در نتیجه، عدم وجود اثر مستقیم تفکیک خویشتن بر نگرش اجتماعی می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که این عامل به تنهایی کافی نیست و باید با توجه به تعاملاتش با عوامل دیگر، نقش آن در تعیین نگرش‌های اجتماعی بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

فرضیه سوم: ابعاد هویتی دانشجویان، اثر مستقیمی بر نگرش سیاسی آنان دارد.

بر اساس یافته‌های تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری مشخص شد که از بین ابعاد هویتی، تنها هویت پیشرفته توانست نگرش سیاسی دانشجویان را به طور مستقیم مورد پیش‌بینی قرار دهد ( $B=-0.12$ ;  $P<0.01$ ). سایر ابعاد هویت نتوانستند نگرش سیاسی دانشجویان را به طور مستقیم مورد پیش‌بینی قرار دهند. هویت پیشرفته، یکی از سبک‌های هویتی بوده که بیان‌گر فردی است که معمولاً با داشتن این هویت، تمایل به رشد، توسعه شخصی و پذیرش تغییر دارد. افرادی با هویت پیشرفته به دنبال یادگیری و پذیرش نظرات و ایده‌های جدید هستند و به روزرسانی دائمی دیدگاه‌های خود را ترجیح می‌دهند. افرادی که هویت پیشرفته دارند، عموماً با تغییرات موجود در جوامع، فرهنگ‌ها و فضای اطراف خود همخوانی داشته و تمایل به مشارکت فعال در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی را دارند. آن‌ها به دنبال نوآوری، اصلاحات و بهبودهایی در ابعاد مختلف زندگی خود و جامعه می‌گردند. همچنین، هویت پیشرفته معمولاً همراه با انعطاف‌پذیری و توانایی پذیرش دیدگاه‌ها و ارزش‌های متفاوت است. افرادی که این هویت را دارند، ممکن است در مواجهه با دیدگاه‌های جدید، به دنبال یادگیری و بررسی آن‌ها باشند و تمایل به تغییر و بهبود در دیدگاه‌های خود داشته باشند. در کل، هویت پیشرفته به معنای تمایل فرد به رشد، پذیرش تغییر و انعطاف در دیدگاه‌ها و ارزش‌هاست که می‌تواند تأثیر مهمی بر رفتار و نگرش فرد به مسائل مختلف از جمله مسائل سیاسی، داشته باشد.

به نظر می‌رسد یک دلیل ممکن برای این یافته می‌تواند وجود داشته باشد که هویت پیشرفته به‌عنوان یکی از ابعاد هویتی، ویژگی‌های خاصی دارد که می‌تواند به طور مستقیم بر نگرش‌های سیاسی تأثیر بگذارد. احتمالاً این ویژگی‌های هویت پیشرفته، بیشترین توانایی را برای پیش‌بینی نگرش‌های سیاسی دارند. درعین حال، سایر ابعاد هویت

ممکن است به تنهایی توانایی کافی برای پیش‌بینی نگرش‌های سیاسی را نداشته باشند. این امر می‌تواند به دلیل این باشد که ویژگی‌های دیگر موجود در این ابعاد هویتی، تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به نگرش‌های سیاسی دانشجویان ندارند یا اینکه این ویژگی‌ها به‌طور مستقیم با نگرش‌های سیاسی مرتبط نیستند. با توجه به این نتایج می‌توان فرض کرد که ویژگی‌های هویت پیشرفته می‌توانند به نحوی بیشتر و مستقیم‌تر با نگرش‌های سیاسی هم‌خوانی داشته باشند؛ به نسبت سایر ویژگی‌های موجود در دیگر ابعاد هویتی. این موضوع می‌تواند به‌عنوان دلیل اصلی یافته موردنظر مطرح شود.

فرضیه چهارم: ابعاد هویتی دانشجویان، اثر مستقیمی بر نگرش اجتماعی آنان دارد.

مطابق با یافته‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری مشخص شد که سه بعد هویتی به تعلیق افتاده ( $B=0.122$ ;  $P<0.01$ )، پیشرفته ( $B=0.177$ ;  $P<0.01$ ) و زود شکل‌یافته ( $B=-0.194$ ;  $P<0.01$ ) به‌طور مستقیم بر نگرش اجتماعی دانشجویان تأثیر دارند. هویت آشفته، تأثیر مستقیم معناداری بر نگرش اجتماعی دانشجویان نداشت. در تبیین این یافته می‌توان گفت که طبق نظر اریکسون و مارسیا، افراد دارای نمره بالا در پایگاه هویت دیررس و به‌تعویق‌افتاده افراد درگیر فرایند خود‌کاو‌شگری فعال هستند و به جست‌وجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند (آدام و برزونسکی، ۲۰۰۳). این افراد نیاز زیادی به شناخت و پیچیدگی شناختی احساس می‌کنند، کم‌تر در جست‌وجوی تأیید و تصدیق دیگران هستند، به قضاوت‌های خود اعتماد دارند و پذیرش زیادی در برخورد با موقعیت‌های مبهم و افراد جدید دارند (مغانلو و همکاران، ۱۳۸۸). این افراد به‌طور فعال اطلاعات مربوط به خویش را جست‌وجو و ارزیابی می‌کنند و مورد استفاده قرار می‌دهند؛ نسبت به آینده امیدوار و کمتر تحت تأثیر دیگران بوده و متناسب با باورهای خود عمل می‌کنند. آنان در مورد مشاهدات خود با تردید برخورد کرده، تمایل دارند قضاوت در مورد رخدادهای اطرافشان را به تعویق بیندازند تا در زمانی مناسب اطلاعات خود را ارزیابی و تحلیل کنند (کرامر، ۲۰۰۴).

فرضیه پنجم: ویژگی‌های شخصیتی، ارتباط بین تفکیک خویش‌نمایی و نگرش سیاسی دانشجویان را میانجی‌گری می‌کند.

نتیجه آزمون بوت‌استرپینگ برای بررسی نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی در ارتباط بین تفکیک خویش‌نمایی و نگرش سیاسی نشان می‌دهد که تنها بعد باز بودن به تجربه‌ها توانست رابطه بین تفکیک خویش‌نمایی و نگرش سیاسی را مورد میانجی‌گری قرار دهد ( $B=-0.045$ ;  $P<0.01$ ). سایر ابعاد شخصیتی نقش میانجی‌گرانه، معناداری بین تفکیک شخصیت و نگرش سیاسی نداشتند. باز بودن به شخصیت به دانشجویان کمک می‌کند تا قادر باشند نگرش‌ها و دیدگاه‌های سیاسی خود را بهتر درک کنند و در عین حال، ارتباطاتشان را با دیگران بهبود بخشند. وقتی که ما افراد قادر هستیم که احساسات و باورهای مربوط به خودشان را از دیگران تفکیک کنیم، می‌توانند بهتر با تجربیات مختلف برخورد کنند و این اجازه را می‌دهند تا با بهبود مهارت‌های ارتباطی و درک عمیق‌تری از خودشان و دیگران داشته باشند. باز بودن به تجربه‌ها به معنای پذیرش و تجربه کردن هر آن چیزی است که در زندگی رخ می‌دهد. وقتی که ما به تجربه‌های مختلف با ذهن باز نگاه می‌کنیم و از آن‌ها یاد می‌گیریم، می‌توانیم بهتر ارتباط برقرار کنیم و به نحو احسن به مواقع و وضعیت‌های مختلف واکنش نشان دهیم. زمانی که این دو عنصر به هم پیوند می‌خورند، افراد قادر می‌شوند تا با احترام به تجربیات و دیدگاه‌های دیگران، همچنین با درک عمیق از خود و افکار و احساسات خود، بهتر در فرآیند ارتباطی عمل کنند. این کار به افراد اجازه می‌دهد تا در مواقع دشوار، با توجه به ارزش‌ها و باورهای خودشان و همچنین، احترام به دیدگاه‌های دیگران، راه‌حل‌های مؤثرتری را پیدا کنند. این باز بودن به شخصیت به دانشجویان کمک می‌کند تا از دیدگاه‌های مختلف و گاه‌متناقض که ممکن است در جامعه و درون خودشان داشته باشند، آگاه



شوند. این امر می‌تواند فرصتی برای یادگیری و توسعه دانشجویها در مورد سیاست و ارتباط با دیگران فراهم کند. باز بودن به تجربه‌ها می‌تواند به دانشجویها کمک کند تا در فرآیند ارتباطی با دیگران، از احترام و توجه به نظرات دیگران برخوردار شوند. زمانی که شخص می‌تواند خویش را بهتر درک کند و به دیدگاه‌های دیگران نیز احترام بگذارد، می‌تواند در مواجهه با نظرات سیاسی مختلف، به شکل بهتر و با بازدهی بیشتری ارتباط برقرار کند. به‌طور خلاصه، باز بودن به شخصیت به دانشجویها کمک می‌کند تا از طریق درک بهتر خود، نگرش‌های سیاسی خویش را بررسی کرده و ارتباطات خود را با دیگران بهبود بخشند.

فرضیه ششم: ویژگی‌های شخصیتی، رابطه بین تفکیک خویشتن و نگرش اجتماعی را میانجیگری می‌کند. نتیجه آزمون بوت استرپینگ برای بررسی نقش میانجی ویژگی‌های شخصیت در ارتباط بین تفکیک خویشتن و نگرش اجتماعی گزارش شده است. مطابق با یافته‌های آزمون بوت استرپینگ مشخص شد که بعد باز بودن به تجربه‌ها ( $B=0.046; P<0.05$ ) و وظیفه‌شناس بودن شخصیت ( $B=0.061; P<0.05$ ) توانستند رابطه بین تفکیک خویشتن و نگرش اجتماعی را مورد میانجیگری قرار دهند. سایر ابعاد شخصیت نقش میانجی معناداری بین تفکیک خویشتن و نگرش اجتماعی نداشتند. در تبیین نقش میانجیگرانه بعد وظیفه‌شناس بودن باید گفت که بعد وظیفه‌شناسی شخصیت به معنای این است که فرد معمولاً به تعهدات و مسئولیت‌هایش احترام می‌گذارد و به‌صورت مداوم تلاش می‌کند تا به‌خوبی وظایفش را انجام دهد. این ویژگی شخصیتی می‌تواند تأثیر بزرگی روی روابط اجتماعی داشته باشد. به‌عنوان مثال، افرادی که وظیفه‌شناس هستند، معمولاً مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی بهتری دارند و از این مهارت‌ها برای درک بهتر خودشان و دیگران استفاده می‌کنند. این کار می‌تواند به‌نوعی به آن‌ها کمک کند تا بهترین روش‌ها برای تفکیک خودشان را پیدا کنند، چراکه آگاهی بهتری از خود و دیگران دارند و از این طریق می‌توانند روابطشان را بهبود ببخشند. احتمالاً به این دلیل است که افراد با وظیفه‌شناسی بالاتر، معمولاً مسئولیت‌پذیرتر هستند و احتمالاً مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی بهتری دارند. این مهارت‌ها ممکن است منجر به کسب توانایی بهتر در فهم و تفسیر خود و دیگران شده و در نتیجه، ممکن است نقش مهمی در تعاملات اجتماعی و تفکیک خودشناسی ایفا کند.

فرضیه هفتم: انزوای اجتماعی، رابطه بین تفکیک خویشتن و نگرش سیاسی را میانجیگری می‌کند. به‌منظور تحلیل این فرضیه از آزمون بوت استرپینگ استفاده شد. یافته‌های این آزمون نشان داد که انزوای اجتماعی نقش میانجی معناداری در ارتباط بین تفکیک خویشتن و نگرش سیاسی دارد ( $B=-0.035; P<0.01$ ). انزوای اجتماعی ممکن است تأثیر زیادی در رابطه بین تفکیک خویشتن و نگرش سیاسی داشته باشد. وقتی کسی به انزوا و دوری از ارتباطات اجتماعی می‌پردازد، ممکن است تجربه کمتری از تنوع دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرها داشته باشد. این کار می‌تواند باعث کاهش توانایی فرد در فهم و تحلیل دیدگاه‌های مختلف شود و در نتیجه، ممکن است منجر به نگرش‌های سیاسی منفی‌تر شود. همچنین، افرادی که تمایل به انزوا دارند، ممکن است کمتر در تعاملات اجتماعی شرکت کنند و از این رو، تجربه کمتری از دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مختلف از طریق تعامل با دیگران داشته باشند. این امر می‌تواند باعث کاهش توانایی فرد در تفکر انعطاف‌پذیرتر و درک بهتری از موضوعات سیاسی و اجتماعی شود؛ بنابراین، انزوای اجتماعی می‌تواند تأثیر منفی بر توانایی فرد در تفکر گسترده‌تر، درک متنوع‌تر از نگرش‌های سیاسی و توانایی تفکیک خویشتن داشته باشد.

فرضیه هشتم: انزوای اجتماعی، رابطه بین تفکیک خویشتن با نگرش اجتماعی را میانجیگری می‌کند. آزمون بوت استرپینگ برای بررسی نقش میانجی انزوای اجتماعی در رابطه بین تفکیک خویشتن با نگرش اجتماعی نشان داد که انزوای اجتماعی نقش میانجی معناداری در ارتباط بین تفکیک خویشتن و نگرش اجتماعی ندارد. این یافته نشان می‌دهد که در این آزمون بوت استرپینگ، انزوای اجتماعی به‌عنوان میانجی در ارتباط بین تفکیک خویشتن

و نگرش اجتماعی معنادار نبوده است. به عبارت دیگر، این بررسی نشان داد که انزوای اجتماعی به‌تنهایی نمی‌تواند تأثیر معناداری بر ارتباط بین تفکیک خویش‌نمایی و نگرش اجتماعی داشته باشد. معنایی که این یافته ارائه می‌دهد ممکن است به معنای وجود عوامل دیگری باشد که در این رابطه میان تفکیک خویش‌نمایی و نگرش اجتماعی نقش دارند و از انزوای اجتماعی بیشتر و تأثیرگذارتر هستند. ممکن است عوامل دیگری مثل شرایط فردی، شخصیتی یا عوامل اجتماعی دیگر، بهترین توضیحات را برای رابطه میان تفکیک خویش‌نمایی و نگرش اجتماعی ارائه دهند. در نتیجه، این یافته ممکن است نشان‌دهنده این باشد که درک بهتری از این ارتباط نیازمند بررسی دقیق‌تر و شناخت عوامل بیشتری است که ممکن است در ارتباط میان تفکیک خویش‌نمایی و نگرش اجتماعی دخیل باشند.

فرضیه نهم: ویژگی‌های شخصیت، رابطه بین ابعاد هویتی با نگرش سیاسی را میانجی‌گری می‌کند.

نتیجه آزمون بوت استرپینگ برای بررسی نقش میانجی ویژگی‌های شخصیت در رابطه بین ابعاد هویتی با نگرش سیاسی نشان داد که باز بودن به تجربه‌ها توانست رابطه بین هر چهار بعد هویت و نگرش سیاسی را مورد میانجی‌گری قرار دهد. از بین سایر ابعاد شخصیت، تنها بعد توافق‌پذیری توانست رابطه بین به تعویق افتاده و زود شکل‌یافته را مورد میانجی‌گری قرار دهد. سایر ابعاد شخصیت، نقش میانجی معناداری در رابطه بین حالات هویت و نگرش سیاسی نداشتند. این یافته نشان می‌دهد که ویژگی شخصیتی باز بودن به تجربه‌ها می‌تواند در میانجی‌گری رابطه بین ابعاد هویتی و نگرش سیاسی، مؤثر باشد؛ یعنی زمانی که فرد نسبت به تجربیات و وقایع زندگی خود با ذهن باز و پذیرش کنجکاوی نگران است، این ویژگی می‌تواند تأثیرگذاری بالایی در تعیین نگرش و دیدگاه سیاسی او داشته باشد. این ویژگی از شخصیت می‌تواند فرد را به اندیشیدن و تأمل در تجربیات مختلف و گسترش دایره دید و واکنش‌هایش تشویق کند؛ زیرا آگاهی از تجربیات مختلف و به دست آوردن درک عمیق‌تر از مسائل سیاسی می‌تواند نگرش و دیدگاه سیاسی فرد را تحت تأثیر قرار دهد و نقش میانجی‌گری در رابطه میان هویت و نگرش سیاسی را ایفا نماید؛ بنابراین، این یافته نشان می‌دهد که شخصیتی که به باز بودن به تجربه‌ها می‌پردازد، ممکن است توانایی متفاوتی در فرایند شکل‌گیری نگرش و دیدگاه سیاسی داشته باشد. در نتیجه، می‌تواند نقش مؤثری در میانجی‌گری ارتباط میان هویت و نگرش سیاسی داشته باشد. این یافته نشان می‌دهد که ویژگی شخصیتی توافق‌پذیری می‌تواند در میانجی‌گری رابطه میان هویت به تعویق افتاده و زود شکل‌یافته با نگرش سیاسی تأثیرگذار باشد؛ یعنی میزان تمایل فرد به موافقت و تطبیق با موقعیت‌ها و مواقع مختلف می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش و دیدگاه سیاسی او ایفا کند. ویژگی توافق‌پذیری ممکن است فرد را به تطبیق و تغییر در دیدگاه و نگرش خود نسبت به مسائل سیاسی تشویق کند. این ویژگی می‌تواند باعث شود فرد در مواجهه با دیدگاه‌ها و نظرات متنوع، با بازتاب و تطبیق خود، نگرش سیاسی خود را تغییر دهد و درک بهتری از مسائل سیاسی پیدا کند؛ بنابراین، این نتیجه نشان می‌دهد که ویژگی شخصیتی توافق‌پذیری می‌تواند در میانجی‌گری رابطه بین زمانی که فرد به تجربه‌هایش پاسخ می‌دهد و زمانی که به سرعت واکنش نشان می‌دهد و نگرش سیاسی فرد، نقش مؤثری داشته باشد.

فرضیه دهم: ویژگی‌های شخصیت، رابطه بین ابعاد هویتی با نگرش سیاسی را میانجی‌گری می‌کند.

آزمون بوت استرپینگ برای بررسی نقش میانجی ویژگی‌های شخصیت در رابطه بین ابعاد هویتی با نگرش اجتماعی نشان داد که بعد باز بودن شخصیت، رابطه بین تمامی ابعاد هویت و نگرش اجتماعی را مورد میانجی‌گری قرار می‌دهد. بعد روان‌رنجورخویی، تنها رابطه بین هویت به تعویق افتاده و زود شکل‌یافته را با نگرش اجتماعی مورد میانجی‌گری قرار می‌دهد. وظیفه‌شناس بودن نیز رابطه بین هویت پیشرفته و به تعویق افتاده را مورد میانجی‌گری قرار داد. این یافته از آزمون بوت استرپینگ نشان می‌دهد که ویژگی شخصیتی باز بودن به تجربه‌ها می‌تواند در میانجی‌گری رابطه میان تمامی ابعاد هویت و نگرش اجتماعی، مؤثر باشد.

به عبارت دیگر، این ویژگی از شخصیت می‌تواند در تعیین رابطه میان هر بخش از هویت فرد و دیدگاه و نگرش او نسبت به جوامع و محیط اجتماعی، ایفای نقش کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که باز بودن شخصیت ممکن است فرد را به پذیرش و درک بهتری از انواع مختلفی از هویت و دیدگاه‌های اجتماعی تشویق کند. این ویژگی می‌تواند فرد را در تعاملات اجتماعی بهتری که با محیط و افراد مختلف دارد، تشویق کند و درک عمیق‌تری از چندگانگی جوامع و نگرش‌های مختلف در آن‌ها را ایجاد کند. بدین ترتیب، این یافته نشان می‌دهد که ویژگی باز بودن شخصیت ممکن است نقش مهمی در میانجیگری تمامی ابعاد هویت و نگرش اجتماعی افراد داشته باشد و بتواند به شکل معناداری در رابطه میان هویت فرد و دیدگاه‌های اجتماعی او مؤثر باشد.

یافته دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که بعد روان‌رنجورخویی می‌تواند در میانجیگری رابطه، بین زمانی که هویت فرد به تجربه‌هایش پاسخ می‌دهد و زمانی که به سرعت واکنش نشان می‌دهد، با نگرش اجتماعی تأثیرگذار باشد؛ یعنی وقتی که فرد با مشکلات و اندیشه‌هایی نسبت به هویت خود مواجه می‌شود، این ویژگی از شخصیت می‌تواند در شکل‌گیری نگرش او نسبت به جوامع و محیط اجتماعی نقش داشته باشد. روان‌رنجورخویی ممکن است فرد را به سوی پذیرش یا تردید درباره هویت و مسائل مرتبط با آن‌ها سوق دهد. این ویژگی می‌تواند باعث شود که فرد، تغییراتی در دیدگاه و نگرش خود نسبت به اجتماع و ارتباط با آن اعمال کند. ممکن است این تغییرات در تعاملات اجتماعی و روابطش با دیگران نمایان شود؛ بنابراین، این یافته نشان می‌دهد که بعد روان‌رنجورخویی ممکن است تأثیراتی در شکل‌گیری نگرش اجتماعی فرد داشته باشد و در میانجیگری رابطه بین هویت به تعویق افتاده و زود شکل‌یافته با نگرش اجتماعی، مؤثر باشد.

در تبیین نقش میانجی بعد وظیفه‌شناس بودن شخصیت در ارتباط بین هویت پیشرفته با نگرش سیاسی می‌توان گفت که وظیفه‌شناس بودن به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی ممکن است در ارتباط میان هویت پیشرفته و نگرش سیاسی فرد، نقش میانجی داشته باشد. این ویژگی ممکن است باعث تقویت تعهد فرد به نقش‌ها و وظایف اجتماعی‌اش شود و در نتیجه، تأثیرگذاری بر روی دیدگاه سیاسی او داشته باشد. وظیفه‌شناس بودن ممکن است فرد را به تعهد به نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی خود تشویق کند. این ویژگی می‌تواند فرد را به توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی تشویق کند و در نتیجه، دیدگاه سیاسی او را در رابطه با جوامع و محیط اجتماعی تحت تأثیر قرار دهد.

به عبارت دیگر، وظیفه‌شناس بودن می‌تواند نقش میانجیگری در ارتباط بین پیشرفت هویت فرد و دیدگاه سیاسی او داشته باشد. این ویژگی از شخصیت ممکن است باعث تعهد فرد به مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی شود و در نتیجه، نقش مؤثری در شکل‌گیری دیدگاه و نگرش سیاسی او ایفا کند. از طرف دیگر، وظیفه‌شناس بودن به‌عنوان یک ویژگی از شخصیت ممکن است در ارتباط میان هویت به تعویق افتاده و دیدگاه سیاسی فرد، نقش میانجی داشته باشد. این ویژگی ممکن است باعث افزایش تعهد فرد به تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی خود شود و در نتیجه، تأثیرگذاری بر دیدگاه سیاسی او داشته باشد. وظیفه‌شناس بودن ممکن است فرد را به پذیرش تأخیر یا تعویق در فرایند شناخت هویت خود تشویق کند. این ویژگی می‌تواند فرد را به تفکر و تأمل در موضوعات سیاسی و اجتماعی دعوت کند و در نتیجه، دیدگاه و نگرش سیاسی او را تحت تأثیر قرار دهد. به‌طور خلاصه، وظیفه‌شناس بودن ممکن است در میانجیگری رابطه بین به تعویق افتاده هویت فرد و دیدگاه سیاسی او نقش داشته باشد. این ویژگی از شخصیت ممکن است باعث افزایش تعهد فرد به مسائل سیاسی و اجتماعی شود و در تأثیرگذاری بر دیدگاه و نگرش سیاسی او تأثیرگذار باشد.

فرضیه یازدهم: انزوای اجتماعی، رابطه بین ابعاد هویتی با نگرش سیاسی را میانجیگری می‌کند.

نتیجه آزمون بوت استرپینگ برای بررسی نقش میانجی انزوای اجتماعی در ارتباط بین ابعاد هویتی و نگرش سیاسی نشان داد که انزوای اجتماعی، تنها رابطه بین هویت به تعویق افتاده و نگرش سیاسی را مورد میانجیگری قرار می‌دهد. این یافته نشان می‌دهد که انزوای اجتماعی می‌تواند در میانجیگری، تنها در ارتباط بین هویت به تعویق افتاده و دیدگاه سیاسی فرد نقش داشته باشد. به عبارت دیگر، این ویژگی از رفتار اجتماعی فرد می‌تواند تنها در تعیین رابطه میان مرحله به تعویق افتاده هویت و دیدگاه سیاسی او مؤثر باشد. انزوای اجتماعی ممکن است باعث ایجاد تأخیر یا مسدود شدن در فرایند شکل‌گیری هویت فرد شود. این ویژگی می‌تواند باعث ایجاد مشکلات در ارتباطات اجتماعی و درک ناکامی از مسائل سیاسی شود که در نهایت، بر دیدگاه سیاسی افراد تأثیر گذار باشد. این یافته نشان می‌دهد که انزوای اجتماعی ممکن است در میانجیگری، تنها در ارتباط بین مراحل به تعویق افتاده هویت و دیدگاه سیاسی فرد نقش مهمی داشته باشد و تنها در این زمینه تأثیر گذار باشد.

فرضیه دوازدهم: انزوای اجتماعی، رابطه بین ابعاد هویتی با نگرش اجتماعی را میانجیگری می‌کند.

آزمون بوت استرپینگ برای بررسی نقش میانجی انزوای اجتماعی در ارتباط بین ابعاد هویتی و نگرش اجتماعی نشان داد که انزوای اجتماعی، نقش میانجی معناداری در ارتباط بین حالات هویت و نگرش اجتماعی ندارد. این یافته نشان می‌دهد که در این پژوهش، به نظر نمی‌رسد انزوای اجتماعی، نقش میانجی معناداری در ارتباط بین ابعاد هویتی با نگرش اجتماعی فرد داشته باشد. با وجود این، ممکن است به این معنا باشد که علت نگرش اجتماعی فرد در مواردی دیگر باشد و به تنهایی وقوع انزوای اجتماعی نتواند تأثیر چندانی در این فرآیند داشته باشد. از نظر اجتماعی، این موضوع ممکن است نشان دهد که وجود یا عدم وجود ارتباطات اجتماعی یا شرایطی دیگر، بهترین توضیح را برای نگرش اجتماعی فرد ارائه داده است؛ بنابراین، انزوای اجتماعی به تنهایی ممکن است نتواند به طور معناداری در تبیین نگرش اجتماعی شخصی کمک‌کننده باشد. با توجه به این یافته، ممکن است سایر عوامل و شرایط اجتماعی نقش بیشتری داشته باشند و واقعیت اجتماعی فرد را درک کرده و تعیین‌کننده‌تر از وقوع انزوای اجتماعی باشند. به عبارت دیگر، این پژوهش ممکن است نشان دهد که موارد دیگر زیادی در تبیین نگرش اجتماعی فرد دخیل هستند و وقوع انزوای اجتماعی نمی‌تواند تمام مسائل اجتماعی فرد را به تنهایی تبیین کند.

### محدودیت‌های پژوهش

۱. نمونه این پژوهش محدود به دانشجویان دانشگاه بوده و نباید یافته‌های این پژوهش را به سایر گروه‌ها تعمیم داد.
۲. هرچند که روش تحلیل داده‌های پژوهش از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری است؛ با این حال، به علت طبیعت همبستگی بین متغیرهای پژوهش نباید استنباط علی از یافته‌های تحقیق داشت.
۳. روش جمع‌آوری داده‌های پژوهش از نوع پرسشنامه‌ای است. با این حال، همانند همه پژوهش‌های پرسشنامه‌ای، اصل بر صحت داده‌های پژوهش است؛ اما ممکن است این اصل برقرار نباشد.
۴. در تکمیل پرسشنامه‌ها، تأکید بر اجرای پرسشنامه‌ها به صورت داوطلبانه و علاقه‌مندانه بود که ممکن است یافته‌های تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد.

### پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. توصیه می‌شود در تحقیقات آتی از نمونه‌های غیر همگن و غیر دانشجویی شامل کارمندان، بازاریان، صنعتگران، کارگران و سایر اقشار جامعه برای تعمیم‌پذیری مدل پیشنهادی استفاده شود.

۲. توصیه می‌شود جهت تعیین رابطه علی بین متغیرها از تحقیقات طولی و یا علی-آزمایشی برای استنباط دقیق و علی استفاده شود.
۳. توصیه می‌شود که در تحقیقات آتی از سایر روش‌های سنجش نظیر دیگر سنجی، روش‌های مشاهده رفتار و روش‌های عینی دیگر استفاده شود تا صحت داده‌های خودسنجی مورد ارزیابی قرار گیرد.
۴. توصیه می‌شود که برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های تصادفی دیگر استفاده شود.

### پیشنهادات کاربردی

یافته‌های این پژوهش، علاوه بر بسط نظری پژوهش در حوزه روانشناسی سیاسی و اجتماعی، در حوزه افکار سنجی و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی نیز حاوی کاربردهای تلویحی گسترده است. طبق یافته‌های این مدل می‌توان استنباط کرد که ابعاد شخصیت، به‌ویژه باز بودن به تجربه‌ها و ابعاد هویت و انزوای اجتماعی و تفکیک خویشتن برای نگرش‌های سازنده اجتماعی و سیاسی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که با شناخت افراد هر جامعه می‌توان بستری برای گسترش ایده‌ها و نگرش‌های سازنده به افراد فراهم آورد.

### منابع

- بشیریه، حسین. (۱۳۹۱). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (لیبرالیسم و محافظه‌کاری)*. تهران: نشر نی.
- پروین، جان. (۱۳۹۵). *شخصیت (ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور)*. تهران: آبیژ.
- پورعلی، عباس. (۱۳۸۷). *رابطه صفات شخصیت و عملکرد سازمانی افسران صف دانشگاه علوم انتظامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- حق‌شناس، حسن. (۱۳۸۷). *هنجاریابی آزمون نئو، فرم تجدیدنظر شده. فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱۶(۱)، ۳۸-۴۷.
- خواجه سروی، غلامرضا، و اسدی، علیرضا. (۱۳۸۷). *نقش روحانیت و روشنفکران دینی در تغییر نگرش عمومی مردم ایران به نهضت حسینی در جریان انقلاب اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، ۴(۱۵)، ۱۲-۱۷.
- دارابی، علی. (۱۳۸۸). *جریان‌شناسی در ایران*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رضایی، محمدهادی، و قشقایی، سعید. (۱۳۸۸). *تحلیل روان‌کاوانه شخصیت گردآفرید. ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی (زبان و ادبیات فارسی)*، ۵(۱۴)، ۹۹-۱۲۷.
- رضایان، علی. (۱۳۷۹). *مدیریت رفتار سازمانی*. تهران: انتشارات سمت.
- ساعی، علی، و کریمی، زهیر. (۱۳۹۲). *تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا. مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۳(۴)، ۱۱۶-۱۵۰.
- سلیمی، اکبر. (۱۳۹۰). *مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، تفکیک خویشتن و خطرجویی در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). *نظریه‌های شخصیت (چاپ پنجم)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شاپیرو، جان سالوین. (۱۸۷۹). *لیبرالیسم معنا و تاریخ آن* (ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی). تهران: نشر مرکز.
- شادلو، عباس. (۱۳۸۰). *اطلاعاتی درباره احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز*. تهران: نشر گستره.
- شاملو، سعید. (۱۳۹۰). *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت*. تهران: انتشارات رشد.
- صفدریان، زهره. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیت تمایز یافتگی با کیفیت زندگی مریبان پیش از دبستان شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ظریفی نیا، حمیدرضا. (۱۳۸۷). *کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸*. تهران: آزادی اندیشه.
- غفاری، غلامرضا، و امیدی، رضا. (۱۳۹۰). *کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی*. تهران: نشر شیرازه.

- غفاری هاشجین، زاهد، و شجاعی، جبار. (۱۳۹۶). مقایسه «راهبرد مذاکره» با جریان‌ها و کشورهای غیر هم‌سو از نگاه دو جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۸(۲۴)، ۲۱-۴۸.
- کاظمیان، سمیه، و دلاور، علی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی با میزان تمایل به اعتیاد در مردان متأهل. *نظم و امنیت انتظامی*، ۴(۴)، ۱۰۵-۱۱۵.
- کاکه جانی، عباس. (۱۳۹۳). *جریان‌شناسی اصولگرایی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کریمی، یوسف. (۱۳۹۵). *روانشناسی شخصیت*. تهران: نشر ویرایش.
- گلدنبرگ، ایرنه، و گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۹۷). *خانواده‌درمانی* (ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی، سیامک نقش‌بندی و الهام ارجمند). تهران: انتشارات روان.
- گولدنر، الوین. (۱۳۸۳). *بحران جامعه‌شناسی غرب* (ترجمه فریده ممتاز). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مبسم، سولماز. (۱۳۸۶). اثربخشی آموزش تفکیک خویشتن بر کاهش مشکلات تصمیم‌گیری شغلی دانشجویان دختر. *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۹(۳).
- مرتجی، حجت. (۱۳۹۵). *جناح‌های سیاسی در ایران امروز*. نقش و نگار.
- مهرآرا، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). *زمینه روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات مهرداد.
- مهرآرا، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). *زمینه روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات مهرداد.
- Brewer, M. B. (1991). The social self: On being the same and different at the same time. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 17(5), 475-482.
- Chamorro-Premuzic, T., & Furnham, A. (2014). *Personality and intellectual competence*. Psychology Press.
- Cialdini, R. B., Borden, R. J., Thorne, A., Walker, M., Freeman, S., & Sloan, L. (1976). Basking in reflected glory: Three (football) field studies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 34, 366-375.
- Cooley, C. H. (1902). *Human nature and the social order*. New York: Scribner's.
- Diener, E., & Diener, M. (1995). Cross-cultural correlates of life satisfaction and self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 653-663.
- Duval, S., & Wicklund, R. A. (1972). A theory of objective self-awareness. Oxford: Academic.
- Festinger, L. (1954). A theory of social comparison processes. *Human Relations*, 7, 117-140.
- James, W. (1890). *Principles of psychology* (Vol. 1 & 2). New York: Holt.
- Mahwah: Erlbaum. Turner, J. C., Hogg, M. A., Oakes, P. J., Reicher, S. D., & Wetherell, M. S. (1987). *Rediscovering the social group: A self-categorization theory*. Oxford: Blackwell.
- Markus, H. (1977). Self-schemata and processing information about the self. *Journal of Personality and Social Psychology*, 35, 63-78.
- Markus, H., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychological Review*, 98, 224-253.
- Markus, H., & Nurius, P. (1986). Possible selves. *American Psychologist*, 41, 954-969.
- McConnell, A. R. (2011). The multiple self-aspects framework: Self-concept representation and its implications. *Personality and Social Psychology Review*, 15, 3-27.
- Mussweiler, T. (2003). Comparison processes in social judgment: Mechanisms and consequences. *Psychological Review*, 110, 472-489.
- Oyserman, D. (2009). Identity-based motivation: Implications for action-readiness, procedural-readiness, and consumer behavior. *Journal of Consumer Psychology*, 19, 250-260.
- Peleg-Popko, O. (2002). Bowen theory: A study of differentiation of self, social anxiety, and physiological symptoms. *Contemporary Family Therapy*, 24(2), 355-369.
- Shrauger, J. S., & Schoeneman, T. J. (1979). Symbolic interactionist view of self-concept: Through the looking glass darkly. *Psychological Bulletin*, 86, 549-573.
- Taylor, S. E., & Lobel, M. (1989). Social comparison activity under threat: Downward evaluation and upward contacts. *Psychological Review*, 1, 569-575.
- Turner, J. C., & Onorato, R. S. (1999). Social identity, personality, and the self-concept: A self-categorization perspective. In T. R. Tyler, R. M. Kramer, & O. P. John (Eds.), *The psychology of the social self* (pp. 11-46).
- Williams, E. F., & Gilovich, T. (2008). Conceptions of the self and others across time. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 34, 1037-1046.

- Woolcock, M. (2001). The place of social capital in understanding social and economic outcomes. *Canadian Journal of Policy Research*, 2(1), 11-17.
- Zavaleta, D. (2007). The ability to go about without shame: A proposal for internationally comparable indicators of shame and humiliation. *Oxford Development Studies*, 35(4), 405-430.

**استناد به این مقاله:** صفروئی، علیرضا، محب، نعیمه، و واحدی، شهرام. (۱۴۰۴). بررسی رابطه علی تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نگرش سیاسی و اجتماعی دانشجویان: نقش میانجی ویژگی‌های شخصیت و انزوای اجتماعی. *فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق*، ۵(۱)، ۳۵-۵۷.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.